تماشاخانه

یادداشتی بر نمایش خرس
شکار سطحی اعماق

امیر احمد قزوینی

■ به سطح رساندن و خندیدن به وقایع غریب، آخرین راه بازنمایی آنهاست. «چخوف» در نمایشنامه «خرس» کاری به جراحی واقعیت و کمدی معنادار ندارد. برخورد کاملا ظاهری و سطحی او با یک پدیده منجر به زدودن آشنایی از آن پدیده می‌شود و منعکس‌کننده پیام «اسکار وایلد» است که می‌گوید: «تنها احمق‌ها هستند که براساس ظاهر، قضاوت نمی‌کنند.»

آمدن مفهوم‌ها به سطح و عریانی آنها با امکانات صحنه، به ظاهرپردازی اثر دامن می‌زند. وضعیت موجود چیزی میان واقعیت و فانتزی است؛ وضعیتی که در آن مالکی برای وصول سفته خود در خانه زنی تنها اتراق می‌کند؛ زنی که هنوز لباس سیاه عزای شوهر را به تن دارد. رابطه سخت و غیرمنعطف این دو دشمن با اراده خدمتکار به یکباره تغییر حالت می‌دهد.

کارگردانی اثر در نسبتی همخوان با وضعیت زبان ملفوظ اثر، شکل گرفته است. بازی‌های به‌شدت برون‌ریزانه و خارج از کالبد، درشت‌نمایی در منطق ساده و خودساخته اتفاقات، دومینوی حسی گسسته و ایجاد کانسپتی متناسب با داستان، نمایانگر تحلیلی ریاضی‌وار از نمایشنامه است.

حامد پشتیبان در نقش پیشکار، مرکز ثقل کمدی نقش در نمایش است و در برابر بذله‌گویی‌های ارباب خود؛ نقشی مکمل و فعال دارد و به بهترین شکل از پس این مرکزیت برمی‌آید.

نمایش خرس را از دو منظر می‌توان بررسی کرد؛ یکی از منظر کمدی سبک و سطحی و دیگری به عنوان رویکردی دگرگونه و به‌شدت اعتراضی در برابر اتفاقات و پدیده‌های مضحک. اتفاقی چون تبدیل یک طلبکاری ساده به صحنه کارزار برای استیفای حقوق زن و مرد، پدیده‌ای چون عشق، آن هم عشق یک مالک طلبکار به

بیوه‌ای که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد. به همین دلیل اجراگر باید به‌شدت مراقب بداهه‌گویی و ترکیبات لفظی بازیگرانش باشد، زیرا کوچک‌ترین تخطی و خودنمایی موجب تغییر نگرش مخاطب نسبت به اجرا خواهد شد.

در تقسیم اشخاص بازی به دو زوج برمی‌خوریم؛ یک زوج ارباب و یک زوج خدمتکار. زوج اخیر در سیطره تصمیم‌های مختلف اربابان خود قرار دارند و بر اساس مواضع آنها دست به عمل می‌زنند. اربابان گاهی دشمن می‌شوند و تصمیم به انتقام می‌گیرند و گاهی عاشق می‌شوند و صحنه را برای عشق بی‌آغاز نوکران خود خالی می‌گذارند. اما اراده رعایا، گاهی به تغییر روابط اربابان نیز منجر می‌شود.

گزارشی از بازتولیدهای تئاتر در روزهای بی‌سالنی
طرحی موفق اما بازدارنده

زمستان ۶۶ نخستین نمایش بازتولید شده. عکس: مهدی حسنی، شرق

شرق، فرزانه ابراهیم زاده: بازتولید یک اثر نمایشی در حال حاضر چه ضرورتی دارد و چه فایده‌ای می‌تواند به سفره کم رونق تئاتر کشور برساند؟ این سوالی است که از طرف خیلی از کسانی که این روزها پیگیر اجراهای نمایشی هستند، مطرح می‌شود. کسانی که مدام با نام‌های تکراری روبه‌رو می‌شوند. از سال گذشته که طرح بازتولید تئاتر برای نخستین‌بار به پیشنهاد «محمد یعقوبی» مطرح شد و با اجرای «زمستان ۶۶» او شکل عملی گرفت؛ هر از گاهی شاهد انتشار خبری در مورد به صحنه رفتن یک اثر نمایشی هستیم که سال‌ها پیش در میان استقبال تماشاگران به صحنه رفته بود و خاطره به یادماندنی را در ذهن مخاطبان گذاشته بود این طرح در نخستین مصوبه شورای هنری مجموعه تئاتر شهر به تصویب رسید. شورایی که کسانی چون محمد یعقوبی، محمد امیر یاراحمدی، مسعود دلخواه و محمود استادمحمد هم از اعضای آن بودند. این روند در ایران سابقه زیادی ندارد، روندی که رپرتوار آثار «پسیانی» و با رپرتوار اپراهای «بهروز غریب‌پور» همراه بود و با اجرای نمایش «یک دقیقه سکوت» آیدا کیخانی، «جن‌گیر» کوروش نریمانی و «ماکاندو» آزاده انصاری ادامه یافت. این طرح با استقبال مسوولان تئاتری روبه‌رو شد. اما قرار این بود که هر کارگردان در کنار متن بازتولیدی یک اجرای غیربازتولیدی نیز داشته باشد. بعد از این اعلام آمادگی تئاتر شهر برای بازتولید برخی از کارگردانان متن‌هایی که در سال‌های قبل اجرا رفته بودند را ارایه کردند. این روند آن‌چنان شدت گرفته است که برخی از کارگردانان شناخته شده تئاتر چون علی رفیعی که چندی است کار تازه‌ای به صحنه نبرده‌اند نیز به جای اجرای یک متن جدید به فکر بازتولید آثار پرمخاطب پیشین خود هستند، هرچند در نهایت این روزها خبر به آنها رسیده است که فعلا مجوز کارشان داده نشده است. «حمید سمندریان» نیز یک ماه پیش از درگذشت‌اش اعلام کرده بود که قرار است «بازی» استریندبرگ را در تماشاخانه ایرانشهر به صحنه ببرد. البته بعد از وخیم‌تر شدن وضعیت جسمی این کارگردان شناخته شده قرار شد «هما روستا» با نظارت او نمایش را اجرا کند. «علی رفیعی» نیز که بعد از «شکار روباه» نمایش تازه‌ای روی صحنه نبرده است؛ سال قبل مجوز اجرای نمایش «کابوس‌های جامه‌دار از قتل میرزاتقی‌خان امیرکبیر» را گرفت. اما این نمایش به دلیل هماهنگ نشدن شرایط اجرایی با متن یرما که آن هم توسط رفیعی به صحنه آمده بود تغییر کرد. یکی دو ماه پیش «پری صابری» که این روزها همچنان در انتظار صدور مجوز اجرا برای به صحنه بردن دو نمایش تازه خودش است؛ «شمس پرنده» را به صحنه برد و در حال حاضر نیز «هادی مرزبان» که قصد داشت «تانگوی تخم‌مرغ داغ‌داغ» را به صحنه ببرد «شب روی سنگفرش خیس خیابان» نمایش دیگر «رادی» را که سال ۷۵ به صحنه برده بود بازتولید کرد. به نظر می‌رسد که در میان کارگردانان تئاتر کارگردان دیگری باشد مثل «کوروش نریمانی» که اگر مجوز بگیرد «شب‌های آوینیون» را بار دیگر به صحنه ببرد. با وجود موفقیت‌آمیز بودن این طرح‌ها اما این سوال همچنان به جای خود باقی است که آیا بازتولید تئاتر در وضعیت کنونی که کمبود سالن‌ها از یک سو و مشکلات مالی از سوی دیگر دامن تئاتری‌ها را گرفته است و مثل بقیه مردم با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو هستند می‌تواند کمکی به اقتصاد کم رمق تئاتر بکند؟

موافقان و مخالفان

طرح بازتولید تئاتر در زمان مطرح شدنش با نظرات بسیار متضادی روبه‌رو شد. استدلال بسیاری از مدافعان این طرح این بود که تئاتر هنری زنده است و بعد از پایان اجرا پرونده‌اش بسته می‌شود و گروه‌های جوانی که در سال‌های بعدی وارد صحنه می‌شوند از دیدن برخی از اجراها محروم خواهند بود. این ظرفیت جدید این زمینه را در اختیار آنها می‌گذارد که بازسازی آن اجراهای به یادماندنی را روی صحنه ببینند. این نظری است که خیلی از کارگردانانی که در حال حاضر به فکر اجرای نمایش‌هایشان هستند بر این موضوع تاکید دارند. همان زمان تعدادی از کارگردانان مانند علی رفیعی با موافقت با این طرح اعلام کردند که این طرح بسیار مترقی است.

رفیعی درباره دلایل بازتولید یک اثر نمایشی هم گفت: «دلایل این تجدید یا این بازتولید متعدد است که هیچ‌کدام به فقدان آثار نمایشی جدید یا کمبود مالی مربوط نمی‌شود زیرا وقتی اثری بازتولید می‌شود همان میزان بودجه نیاز دارد که تولید یک اثر نمایشی جدید. فرقی میان بازتولید و تولید اثر نمایشی جدید به لحاظ بودجه نیست. با این طرح کارگردان احساس می‌کند با به صحنه بردن مجدد یک اثر نمایشی می‌تواند حرف خود را با زبان بهتر و کامل‌تری برای جامعه بیان کند.» در مقابل «حمیدرضا آذرنگ» بازیگر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان، بازتولید را منوط به اجرای این آثار در دیگر سالن‌های تئاتر تهران و شهرستان‌ها می‌داند و به گفته او بودجه اختصاص‌یافته به مجموعه تئاترشهر باید صرف تولید آثار نمایشی جدید شود نه بازتولید آثار موفق گذشته. این همان شرطی بود که به نظر می‌رسید در دل این طرح وجود دارد. اما بسیاری از کارگردانان نیز با این طرح مخالف بودند و برخی آن را فریب دادن تماشاچی‌ها برای آمدن و دیدن تئاتر دانستند. این مخالفت‌ها به جایی رسید که محمد یعقوبی که یکی از مدافعان بازتولید در یادداشتی نوشت: «مصوبه شورا فقط حاکی از ایجاد فرصت برای بازتولید نمایشنامه‌های ایرانی موفق است و نه اجبار یا اولویت و نه حتی تاکید. پس مصوبه شورای هنری هیچ‌کس را مجبور نمی‌کند نمایشنامه‌های ایرانی را بازتولید کند. فقط یادآور می‌شود که این فرصت را برای کارگردانان قایل است تا مجبور نباشند برای گرفتن نوبت اجرا، نمایشنامه خارجی بدهند و نمایشنامه‌نویسان هم مجبور نیستند هر سال نمایشنامه بنویسند که باشند.»

او اجرای مکرر این نمایشنامه‌ها در مراکز اصلی تئاتر کشور و نه حواله‌دادن بازتولید به سالن‌های ناشناخته را راهی برای ارج‌نهادن به آثار ارزشمند نمایشنامه‌نویسانی دانست که کمبود سالن مانع از حضور بیشتر آثارشان روی صحنه بوده است: «اگر تئاتری پرتماشاگر است ولی به‌دلیل دادن فرصت به دیگری، سالن را از آن گروه موفق می‌گیرند آن گروه باید این حق را داشته باشد چند سال بعد حتی یک سال بعد، آن نمایش را دوباره روی صحنه ببرد. این احترام به آن گروه است که کارشان هنوز خواهان دارد و احترام به تماشاگرانی که آن نمایش را ندیده‌اند یا می‌خواهند پس از گذشت یک یا چند سال آن نمایش را دوباره ببینند. و حالا من ناگزیرم برای فهماندن به برخی، از حربه شریف مقایسه بهره بگیرم. تصور کنید مثلا «محمود دولت‌آبادی» را که «کلیدر» یکی از بهترین رمان‌های ایرانی را با چه مرارت و دقتی نوشته است و حالا سال‌هاست که کلیدر باز چاپ می‌شود، آیا ابلهانه نیست پرخاش به او که به‌جای بازچاپ کلیدر رمان دیگری بنویسد؟» یعقوبی بازتولید در نگاه کلان در صورت شناسایی و اجرای دوباره نمایشنامه‌های مهم پیش از انقلاب تاکنون را رستاخیر تئاتر دانست.

آزمون و خطا

با نگاهی گذرا به تجربه بازتولید برخی از آثار نمایشی مانند «زمستان ۶۶» و «خشکسالی و دروغ»- با همه مشکلاتی که در اجرا برایش پیش آمد – تجربه بازتولید تجربه موفقی بود. بگذریم از اینکه این دو نمایش در اجراهای نخستین خود نیز با بازخورد خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شدند و هر دوی این اجراهای جدید اجراهای متفاوتی با آن شکلی بود که در گذشته به صحنه رفته بود. یعقوبی در اجرای زمستان ۶۶ نه‌تنها چهره بازیگران این نمایش را کاملا تغییر داده بود که متن را به عنوان نویسنده متن بازنویسی کرده بود و در اجرا و صحنه نیز این نمایش تغییر کرده بود. اتفاقی که در «خشکسالی» کمتر رخ داده بود. اجرای نمایش‌های «شمس پرنده» و حال این روزها «شب روی سنگفرش خیس خیابان» نشان داده است که این طرح به جای خود طرح درستی بوده که توانسته رضایت مخاطبان را به خود جلب کند. یعنی هم انتخاب متن‌ها و هم کارگردانی که این آثار را به صحنه برده‌اند توانسته‌اند نظر مثبتی را جذب کنند. اما موضوع این است که همین کارگردانان برای اجرای متن‌های تازه شانس تازه‌ای ندارند و زمینه اجرای متن‌های کمتر کار شده فراهم نمی‌شود. نباید از یاد برد که تئاترهایی که در سال به اجرای مجدد آثار قبلی و موفق‌شان می‌پردازند سالن اختصاصی دارند و در زمانی که متن تازه‌ای ندارند رپرتوار کارهای قبلی را اجرا می‌کنند. اما وقتی سهم پایتخت از سالن‌های نمایشی از صندلی‌های نمایشی به ۲۰هزار نفر هم نمی‌رسد نمی‌شود توقع داشت که سالن‌های تئاتری به طور طولانی در دست اجرای مجدد کارهایی باشد که برای مخاطب تکراری است.

جمشید مشایخی و نقش کوتاه تئاتری

این بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون که پنجشنبه گذشته بر اثر حادثه‌ای، پایش شکست، گفت: «خوشبختانه مشغول بازی در کاری نیستم.» وی پیش از این به مهر در زمینه حضور در تئاتر گفته بود: «به دلیل شرایط جسمی باید در اثری به ایفای نقش بپردازم که مدت کوتاهی اجرا شود و به همین دلیل در انتظار فراهم شدن فرصت هستم.»

«گل پامچال» و حذفیات سلیقه‌ای

مهر: محمدعلی طالبی کارگردان و نویسنده سینمای ایران در ارتباط با پخش مجدد مجموعه تلویزیونی «گل پامچال» گفت: «بهتر بود قبل از پخش مجدد این مجموعه با سازندگان آن تماس می‌گرفتند تا نسخه اصلی را بررسی می‌کردیم و با کیفیت بهتری پخش می‌شد.»

افتتاح جشنواره «ونیز»

شصت و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز، با نمایش فیلم سیاسی «بنیادگرای ناراضی» به کارگردانی «میرا نایر» افتتاح می‌شود. «نایر» فیلمنامه این فیلم را براساس رمان پرفروشی به همین نام نوشته «محسن حمید» ساخته شده است. «بنیادگرای ناراضی» داستان یک جوان پاکستانی است که در وال‌استریت کار می‌کند و اخیرا به شدت درگیر شده است.

ضیافت گالری‌های جهان
۱۳ هنرمند ایرانی در نمایشگاه هنری «وین»

شرق: شهر وین در حالی از ۲۰ تا ۲۳ سپتامبر (۳۰ شهریور تا سوم مهر) میزبان هنرمندانی از یکصد گالری جهان می‌شود که در این دوره، گالری شیرین از ایران هم در این رویداد هنری شرکت خواهد داشت. نمایشگاه فروش آثار هنری وین (VIENNA FAIR) در هفتمین دوره برگزاری خود میزبان گالری شیرین به مدیریت شیرین پرتوی خواهد بود.

گالری شیرین در این نمایشگاه گرایش‌های نوین کالیگرافی را در حوزه‌هایی چون نقاشی، مجسمه، عکس و اینستالیشین معرفی خواهد کرد. بنا به اعلام برگزارکنندگان این نمایشگاه، در هفتمین نمایشگاه فروش آثار هنری وین بیش از صد گالری و مرکز فرهنگی از سراسر جهان حضور پیدا خواهند کرد که از شرکت‌کنندگان آسیایی می‌توان به گالری کربن ۱۲ دوبی، گالری رودئو استانبول و گالری هان از کره‌جنوبی اشاره کرد.

ویتا زامان، مدیر هنری این نمایشگاه درباره این رخداد هنری گفت: «ما بعد از ماه‌ها مذاکره عاقبت گالری‌داران اتریش و دیگر نقاط جهان را متقاعد کردیم که یک نمایشگاه فروش و عرضه آثار هنری با رویکرد ویژه به گرایش‌های تازه هنری دایر کنیم.»

همچنین کریستینا استاینبرچر، مدیر این نمایشگاه، با ابراز خرسندی از مشارکت اولین گالری ایرانی، این رخداد را مقدمه‌ای برای آشنایی علاقه‌مندان هنر در

اتریش و اروپای شمالی با هنر معاصر ایران دانست. در هفتمین نمایشگاه فروش آثار هنری وین، عکس‌هایی از آرمان استپانیان و بابک کاظمی، مجسمه‌هایی از لیلا خرازی، بهداد لاهوتی و فرناز ربیعی‌جاه، همین‌طور اینستالیشن‌های ایمان صفایی و ابوالفضل شاهی به نمایش گذاشته خواهد شد. در بخش نقاشی هم آثار بابک رشوند، لادن بروجردی، علیرضا آستانه، محمد بزرگی، بهروز زیندشتی و محمد سررشته روی دیوار خواهند رفت. شیرین پرتوی با اشاره به جذابیت‌های اقلیمی و گسترش آن به عنوان یک مفهوم یک ژانر مهم در هنر معاصر، این نمایشگاه را فرصتی برای معرفی هنر امروز ایران دانست. این نمایشگاه در موزه اشتراوس شهر وین برپا خواهد شد. وین سال گذشته میلادی هم در هفته فرهنگی خود میزبان نمایشگاهی از ۱۲ هنرمند ایرانی در نمایشگاهی با عنوان «پس‌کرانه ایرانی» بود. با وجود این سابقه، حضور گالری شیرین در نمایشگاه فروش آثار هنری وین از جهات مهمی ارزشمند است که مهم‌ترین بخش آن معرفی ابعاد جدیدی از هنر معاصر ایران از طریق رسانه‌های مختلف هنری است. هرچند هنر معاصر ایران پیش از این در اتریش به‌نمایش گذاشته شده است؛ اما حضور ۱۳ هنرمند ایرانی در نمایشگاه پیش رو، جنبش پویای هنری در ایران را بیش از پیش به هنردوستان سراسر جهان معرفی خواهد کرد.

گزارش تصویری

«تازه فهمیده‌ام این همه مدت زیر خط فقر زندگی کرده‌ام و خودم خبر نداشتم.» اینها بخشی از یک گفت‌وگوی در خیابان با یک کارمند نیست؛ بلکه صحبت‌های هادی مرزبان کارگردان پیشکسوت تئاتر است که می‌گوید با درجه دکترا و ۳۲ سال سابقه کاری حقوقش ۷۸۰هزار تومان است: «اگر لبوفروشی می‌کردم امروز یک کارخانه قندسازی داشتم.»

هادی مرزبان که این روزها نمایش «شب روی سنگفرش خیس خیابان » را به صحنه می‌برد گفت: دیگر بعد از این همه سال کار کردن در تئاتر جویای نام نیستم، تئاتر ما هم که جنبه مالی آنچنانی برای هنرمندان ندارد. امیدوارم روزی تئاتر ایران به جایی رسیده باشد که سیاستگذاران، هنرمندان را باور داشته باشند و بدانند که آنها خطوط قرمز را خیلی خوب می‌شناسند و همین اندازه که کار می‌کنند لبیک‌شان را گفته‌اند. به عنوان کارگردان چگونه می‌توانم از بازیگرم که نگران اجاره آخر ماهش است توقع خلاقیت داشته باشم.

شرق: ماجرای عکس‌های «هدیه تهرانی» ادامه دارد و در کمال تعجب هیچ خریداری برای مزایده عکس‌های او در محل نگهداری قاب‌ها مراجعه نکرد. شاید مردم و خریداران از این مزایده اطلاع نداشته باشند و شاید هم علاقه‌ای برای خرید این آثار وجود نداشته باشد. هرچند این نمایشگاه که با عنوان «آبان‌گان» در ۱۷ آذر ۸۸ برگزارشد با استقبال فراوان روبه‌رو شد. «علی فرزان‌فرد» وکیل پرونده «بهزاد فراهانی‌پور» به فارس گفته است: «چنانچه فرد یا افرادی تمایل به خرید آثار دارند می‌توانند به شعبه سه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳ ونک مراجعه کنند.» فرزان‌فرد درباره دیگر اقدام قانونی برای این پرونده به فارس توضیح داد: «با توجه به اینکه خریداری در موعد مقرر برای خریداری تابلوها مراجعه نکرد، وفق مقررات قانونی مسیر پرونده ادامه خواهد یافت و ممکن است مزایده برای آخرین مرتبه (نوبت دوم) با تعیین وقت از سوی مراجع قضایی مربوطه برگزار شود.» در تمام این مدت هدیه تهرانی از خود واکنشی نشان نمی‌دهد. تعداد ۱۳۲ عدد قاب سالم از عکس‌های اورژینال هدیه تهرانی توقیف شده که در این خصوص مراتب جهت ارزیابی به کارشناسی رسمی دادگستری ارجاع و ارزیابی شد. این اموال منقول حاوی عکس‌های اورژینال با نام‌های اثر خلیج‌فارس، برگ و یخ، صدف، ماسه، ماهی و آب است که قیمت ارزیابی شده اموال جهت پایه مزایده براساس نظر کارشناس دادگستری به میزان ۴۱۲میلیون و ۵۲۰هزار ریال ارزیابی شده است. این چک برای بهزاد فراهانی‌پور طراح و مجری نمایشگاه عکس هدیه تهرانی است که بخشی از حق‌الزحمه خود را دریافت نکرده است و برایش چک ۴۶۳۲۵۶۲۷۰ ریال صادر شده است. هدیه تهرانی به دلیل همین چک امکان حضور در فیلم «خیابان‌های آرام» کمال تبریزی را از دست داد.

آیینه های روبه رو

سریال‌هایی که در پیچ و خم می‌مانند

■ **شرق:** در حالی که فصل سوم مجموعه تلویزیونی سرزمین کهن به کارگردانی کمال تبریزی به دلیل توقف دو فاز اول با وقفه روبه‌رو شده است؛ به نظر می‌رسد این مجموعه که بخشی از تاریخ معاصر را به تصویر می‌کشد؛ با اصلاحات وسیعی به آنتن تلویزیون برسد.

تبریزی در گفت‌وگو با ایسنا با تایید اصلاحات این مجموعه تلویزیونی گفت: «فیلمنامه «سرزمین کهن» به تصویب سازمان صدا و سیما رسید و ما هم براساس همین فیلمنامه تصویب شده، فیلمبرداری را شروع کردیم و فیلمبرداری دو فاز هم به پایان رسید. ولی در اواسط فیلمبرداری فاز دوم بود که اعضای شورای طرح و برنامه سازمان تغییر کردند و دیدگاه‌شان نیز عوض شد؛ در آن زمان این مساله مطرح شد که فیلمنامه باید اصلاح شود.»

به گفته تبریزی: «این اصلاحات، اصلاحات جزیی نبود، بلکه جدی و مفصل بود یعنی یکسری نکات باید به متن اضافه شود؛ بنابراین در حال حاضر در مرحله‌ای هستیم که فاز یک و دو را اصلاح می‌کنیم.»

البته به نظر می‌رسد این اصلاحات کاملا سلیقه‌ای است و به دلیل تغییر اعضای شوراست؛ چراکه تبریزی گفته است: «اصلاحاتی که به سریال ما وارد شده، اصلاحاتی هستند که اگر از ابتدا می‌گفتند، انجام می‌دادیم اما اشکال کار در این است که در نیمه راه مجبور شدیم این کار را انجام دهیم. به علاوه تغییرات طوری نیست که ساختار را عوض کنیم بلکه تمایل بر این است که نکاتی را در تاریخ اضافه کنیم که اگر از اول می‌دانستیم، نویسنده این کار را انجام می‌داد ولی چون اواسط کار است، کمی دشوار می‌شود.»

او درباره روند این مجموعه گفت: «در حال حاضر مشغول افزودن نکات اصلاحی در بخش‌هایی از فاز یک و دو هستیم و مرحله بعد باید فیلمنامه فاز سه اصلاح شود تا کار را ادامه دهیم.»

او درباره زمان پخش سریال نیز توضیح داد: «از طرف سازمان صدا و سیما پیشنهاد شده بود پاییز امسال و با شروع زمستان، پخش فاز اول و دوم را شروع کنیم، ما هم موافقت کردیم، ولی بعد از موافقت ما سازمان صداوسیما مخالفت کرد.»

کمال تبریزی در پایان از روند تولید سریال «سرزمین کهن» اظهار رضایت کرد و گفت: از «سرزمین کهن» راضی هستم.

این سریال که در سه فاز ساخته می‌شود، داستان زندگی «رهی» از کودکی تا بزرگسالی را روایت می‌کند و در این میان به تاریخ ایران معاصر نیز گریزی زده می‌شود.

خبر آخر

اکران بی‌تماشاگر سینماها ادامه دارد

■ برنامه‌ریزی برای اجرای طرح ویژه ماه رمضان، در زمان مناسب خود انجام نشد و باز هم اما و اگر چاشنی برنامه‌های سینمایی شد؛ آیا فیلم جدیدی اکران می‌شود؟ کدام سینماها طرح سکانس‌های ویژه را اجرا می‌کنند؟ ماه رمضان شروع شد اما پاسخی برای این سوالات نیست... باز هم دیر شد!

در این شب‌های ماه رمضان سینماهایی که سکانس‌های ویژه برای مخاطبان خود در نظر گرفته بودند، فقط ویژگی‌شان به نیمه شب برگزار شدنش‌شان بود نه چیز دیگر! اگرچه شورای صنفی نمایش اعلام کرده بود که فیلمی مانند «تو و من» آماده اکران در ماه رمضان است و با تهیه‌کننده «کلاه قرمزی و بچه ننه» هم مذاکره شده است، اما صاحبان هر دو فیلم ترجیح دادند که اکران فیلم‌شان را به عید فطر موکول کنند و در این شرایط سینمادارها ماندند و فیلم‌هایی که یا نمی‌فروشند یا دیگر فروش خود را کرده‌اند. اکنون «خوابم می‌آد» پس از ۳۸ روز فروشش را کرده است و به نظر می‌رسد به‌زودی سرگروهی خود را از دست بدهد. به نظر می‌رسد، اگر شورای صنفی نمایش نتواند فیلم مخاطب‌پسندی را در ایام ماه رمضان روی پرده ببرد، سینماداران باید تنها به فروش «خوابم می‌آد» و «همه‌چی آرومه» دل‌خوش کنند. البته امید به وضعیت مناسب فروش فیلم‌ها در ماه رمضان چندان هم ساده نیست. احمدی، مدیر پردیس «زندگی» که یکی از پرفروش‌ترین مجموعه‌های سینمایی کشور است، در این‌باره گفت: «با آغاز ماه رمضان ما با افت زیاد مخاطب روبه‌رو شده‌ایم. ضمن آنکه به دلیل نیم‌بها شدن بلیت‌ها، فروش‌مان افت شدیدی کرده و بیش از نیمی از رقم فروش‌مان کاسته شده است.»

وی با انتقاد از وضعیت اکران فیلم‌ها در ماه رمضان ادامه داد: «چنین وضعیتی قابل پیش‌بینی بود چون فیلم جدید و قوی نیامده که مخاطب برای آن به سینما بیاید. قرار بود در سانس‌های ویژه ماه رمضان فیلم جدید و پرمخاطب اکران شود اما فعلا همان فیلم‌های قبلی روی پرده هستند و آنها هم یا ضعیف هستند یا فروش‌شان را کرده‌اند.»

ادامه از صفحه ۱۱

بسته‌ای جذاب ولی پر دردسر

■ این نکته را هم بگویم که من از ممیزی‌هایی که بر فیلم می‌خورد اصلا ناراحت نبودم! حتی خوشحال می‌شدم چون جو بسیار ناامنی برای ما ایجاد شده بود.

واکنش‌های شدید به این سریال و حتی خود من باعث شده بود ما بترسیم و این ممیزی‌ها انگار جوری بود که ما را نجات می‌دادند. نهایتا هم قصه نیمه‌کاره رها شد و تماشاچی نفهمید چه به سر شخصیت‌ها آمده است. ما قرار بود که قصه را در رمضان تا جایی بکشانیم و پس از رمضان، در مهرماه داستان را ادامه دهیم ولی ناگهان قسمت‌های آخر مجموعه دچار ممیزی شدید شد و خط و ربط‌هایی که مدیران قبلا روی آنها توافق کرده بودند، به کلی گم شد و در تیتراژ برنامه جمله «فرهاد آئیش» راوی داستان حذف شد. شبانه‌روز کار کردن و زحمت کشیدن بدون دستیابی به نتیجه مورد نظر تلخ است.» اما تجربه اسماعیل عفیفه که مجموعه‌های چالش‌برانگیزی چون «میوه ممنوعه» و «در مسیر زاینده‌رود» را در کارنامه تهیه‌کنندگی خود دارد، چیز دیگری را می‌گوید: «میوه ممنوعه در مقطعی ساخته شد که مقداری آزادی عمل داشتیم. در آن زمان خطوط قرمز فشرده و محدود نبود و توانستیم با صحبت‌هایی که با مدیر محترم شبکه داشته باشیم او را مجاب کنیم که بخشی از معضلات جامعه را در این سریال مطرح کنیم. موضوع جسورانه‌ای بود و خوشبختانه مردم هم کار را دیدند و اتفاق سوئی رخ نداد. در نتیجه نگرانی‌هایی هم که وجود داشت همه بی‌مورد بود. «میوه ممنوعه» توانست در بیننده هیجان ایجاد کند، چیزی که به نظر من در سریال‌های ایرانی وجود ندارد. در مورد ممیزی معیارهای ثابتی وجود ندارد، گاهی تصمیم گرفته می‌شود سوژه‌ها آزادانه‌تر باشند، گاهی در آخرین لحظات اصلاحیه‌های بسیاری به کار می‌خورد. ممکن است کاری پر بیننده شود و استقبال مردمی از آن کار بالا رود در نتیجه مدیران هم با دست بازتری با سریال برخورد کنند.»